

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**درس سوم فلسفه
پایه ی یازدهم انسانی**

«ایمان بالبدی»

**دیرستانهای عترت و فرزندگان
شهرستان شادگان**



فلسفه و زندگی

در این درس با فایده ی فلسفه و به کار بستن آن در زندگی آشنا خواهیم شد

هدف کلی درس:

پذیرش این حقیقت که برای اصلاح سبک زندگی، ابتدا باید فهم فلسفی اصلاح شود.

شایستگی های مورد انتظار:

- ✓ درک این واقعیت که سبک زندگی هرکس با فهم فلسفی وی از جهان و انسان گره خورده است
- ✓ توانایی نشان دادن ارتباط میان تصمیم های مهم افراد با دیدگاه های فلسفی آنها
- ✓ درک اهمیت جایگاه فهم فلسفی در زندگی



تاجر و ماهیگیر

فلسفه و زندگی

متن زیر را بخوانید و به سؤال‌های طرح شده پاسخ دهید:

تاجری کنار ساحل یک روستا، در مکزیک ایستاده بود و دریا را تماشا می‌کرد. یک قایق کوچک ماهیگیری به او نزدیک شد و کنار ساحل ایستاد. داخل قایق چندتا ماهی افتاده بود. تاجر سر صحبت را با ماهیگیر باز کرد و پرسید: چقدر طول کشید تا این چند ماهی را گرفتی؟ ماهیگیر: خیلی کم.

تاجر: پس چرا صبر نکردی تا ماهی بیشتری صید کنی؟

ماهیگیر: چون همین تعداد برای سیر کردن خودم و خانواده‌ام کافی است.

تاجر: بقیه وقتت را چه کار می‌کنی؟

ماهیگیر: تا دیروقت می‌خوابم، یک مقداری ماهیگیری می‌کنم، کمی هم با بچه‌ها بازی می‌کنم، بعدتوی دهکده می‌روم و با دوستان شروع به صحبت می‌کنم، خلاصه، به این نوع زندگی مشغولم.



تاجر: من در دانشگاه‌ها و در مدرسه‌ها درس خوانده‌ام، می‌توانم کمکت کنم. تو باید بیشتر ماهیگیری کنی، آن وقت می‌توانی با پول آن، قایق بزرگ‌تری بخری و بعد با درآمد آن چندتا قایق دیگر هم اضافه کنی. آن وقت تعداد زیادی قایق برای ماهیگیری داری، تعداد زیادی کارگر هم برای تو کار می‌کنند.

ماهیگیر: خوب، بعدش چی؟

تاجر: به جای اینکه ماهی‌ها را به واسطه‌ها بفروشی، آنها را مستقیماً به مشتری‌ها می‌رسانی و برای خودت کار و بار درست می‌کنی. بعد، کارخانه راه می‌اندازی، به تولیدات نظارت می‌کنی... این دهکده کوچک را هم ترک می‌کنی و به مکزیکو می‌روی، بعد هم لُس آنجلس، از آنجا هم به نیویورک! آنجاست که دست به کارهای مهم‌تری می‌زنی...

ماهیگیر: این کار چقدر طول می‌کشد؟

تاجر: پانزده تا بیست سال.

ماهیگیر: اما بعدش چی آقا؟

تاجر: بهترین قسمت همین است. در یک موقعیت مناسب می‌روی و سهام شرکت را به قیمت خیلی بالا می‌فروشی. این کار میلیون‌ها دلار عایدی دارد.

ماهیگیر: میلیون‌ها دلار! خوب بعدش چی؟

تاجر: آن وقت دیگر بازنشسته شده‌ای؛ می‌روی به یک دهکده ساحلی کوچک! جایی که تا دیروقت می‌توانی بخوابی! یک کم ماهیگیری کنی، با بچه‌هایت بازی کنی! می‌توانی به داخل دهکده بروی و تا دیروقت با دوستانت بگویی و بخندی!

ماهیگیر تأملی کرد و گفت:

خب، من الان هم همین کار را می‌کنم!

با توجه به داستان به سوالات زیر پاسخ دهید

بررسی*

- ۱ چرا ماهیگیر از پیشنهاد تاجر استقبال نکرد؟
 - ۲ این دو سبک متفاوت زندگی ریشه در چه دیدگاه‌هایی دارد؟
 - ۳ آیا همه می‌توانند بر اساس نگاه ماهیگیر یا تاجر زندگی کنند؟
-

فلسفه و باورهای ما

- همه ی ما باورهایی در زندگی داریم که برای برخی از آنها دلیل داریم و برخی از آنها را بر اساس **عادت** قبول کرده ایم. بعضی افراد می خواهند به فهم **ریشه ی عقاید و باورهای** خود برسند در حقیقت این گروه اهل **تفکر فلسفی** هستند.



تفکر فلسفی

تفکر فلسفی؛ اندیشیدن در باب باورهای مربوط به زندگی است.

که نتیجه ی آن

ساختن بنیانهای فکری خود

رسیدن به آزاد اندیشی و

کسب شخصیت مستقل است.

تفکر فلسفی

اندیشه و جستجو در باورهای مربوط به زندگی

آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی و نادرستی باورها

پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست

□ معنای زندگی

فلسفه ی هر کس معنا دهنده به زندگی اوست و همین باورها هستند که نقش تعیین کننده در انتخاب اهداف دارند. برای این اساس افراد به سه دسته تقسیم می شوند:

۱) افرادی که دنباله روی دیگرانند و کمتر به حقیقت انسان و جهان می اندیشند بنابراین دقت چندان در انتخاب هدف ندارند

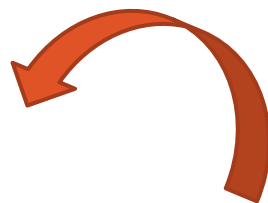
۲) افرادی که هدف قابل قبولی برای زندگی خود برمی گزینند و در **امور بنیادین هستی** تفکر می کنند

۳) افرادی که در انتخاب هدف به خطا رفته و نگرشی نادرست درباره ی جهان و انسان دارند

فقر تالس

افرادى كه فقر تالس را به رخ او مى كشيدند؛
كسانى بودند كه هدف مادى در زندگى داشتند. آنها
به جمع آورى ثروت مى پرداختند و كسانى كه پول و
ثروتى داشتند را مسفره مى كردند.

تالس براى اينكه به آنها نشان دهد كه توان
ثروتمند شدنش بيشتر از آنهاست به روش بيان
شده ثروت زيادى بدست آورد و از اين طريق نشان
داد كه اگر بفواهد مى تواند؛ اما چون **هدفش** با آنها
متفاوت است به كارهاى اينپيئينى اقدام نمى كند و
دغدغه هاى ديگرى دارد.



تأمل*

مى گویند وقتى فقر تالس^۱ را به رُخش كشيدند، تمام پولى را كه داشت
به وديعه نهاد و دستگاههاى روغن زيتون گيرى كرايه كرد. هنگام چيدن
محصول كه دستگاهها مورد نياز بود، آنها را به قيمتى كه مى خواست، به
ديگران واگذار كرد. با اين عمل نشان داد كه اگر دارايى و ثروتى ندارد، ناتوانى
او در كسب پول نيست. او به چيزهاى ديگرى دلبستگى دارد.^۲

آيا مى توانيد حدس بزنيد كه او درباره زندگى چگونه مى انديشيده و چه هدفى
در زندگى داشته؟

□ فواید تفکر فلسفی

دوری از مغالطه

استقلال در
اندیشه

رهایی از عادات
غیر منطقی

□ دوری از مغالطه

- فلسفه می خواهد اندیشه های فلسفی درست را از تفکرات غلط جدا سازد و برای این امر از «**منطق**» کمک می گیرد؛ چرا که با **کاستن از مغالطه ها** می توان فهم درستی از حقایق، هم در عالم هستی و هم مسائل بنیادین زندگی ارائه کرد.
- فیلسوفان نمونه هایی از مغالطات فلسفی را هم **جهت عبرت گرفتن دیگران** تشریح می کنند؛ چرا که بعضی افراد ممکن است حقایق را پذیرفته باشند که مبنای آن یک **مغالطه** است.

گاهی اوقات ما حقایق را می پذیریم که اساس و مبنای آنها یک **مغالطه** است.



□ استقلال در اندیشه

- یک فیلسوف در اندیشه خود استقلال دارد؛ یعنی هیچ حرفی را بدون دلیل و استدلال نمی پذیرد و با توهم و تخیل و تبلیغات و تعصب کاری ندارد.
- تفاوت فیلسوف با دیگران این است که درباره ی مسائل به نحو جدی فکر می کند و با **روش درست و استدلالی** وارد مسائل می شود.



«درس آموزی»

ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی، سال‌های فراوانی شاگرد افلاطون بود. او استاد خود را بسیار دوست می‌داشت. اما در هر موضوعی، تا خودش قانع نمی‌شد، آن را نمی‌پذیرفت. به همین جهت در برخی مسائل با استاد خود اختلاف نظر پیدا کرد. برخی او را سرزنش می‌کردند که چرا نظر استاد خود را رد می‌کند. مشهور است که وی در جواب می‌گفت:

«افلاطون برای من عزیز است، اما حقیقت عزیزتر است.»^۱

از این حکایت کوتاه و جمله ارسطو چه درس‌هایی می‌توان گرفت؟

با وجود اختلاف نظری که بین افلاطون و ارسطو در برخی مسائل فلسفی بود؛ اما حرمت شاگرد و استادی در روابط آنها کلمه‌ما بود. ارسطو بفاطر دوستی و اولویت طرف مقابل، **حقیقت** را کتمان نمی‌کرد و ضمن تبلیل و افتراء استاد، عقاید خود را ابراز می‌کرد. این خود نمونه‌ای از **استقلال در اندیشه** است.

□ رهایی از عادات غیر منطقی

- بعضی از ما برخی از **عقاید غیر منطقی** را پذیرفته ایم یعنی عقایدی که پشتوانه ی عقلی ندارند و بر اثر مرور زمان و یا انتقال از نسلی به نسل بعد، بصورت یک **عادت** در آمده است.
- افراد متفکر جامعه یا فیلسوفان؛ سعی دارند این قبیل افکار را که مورد پذیرش مردم است؛ نقد کنند.

• شما کدام مورد از عادات و باورهای غیر منطقی را سراغ دارید یا با آنها مواجه بوده اید؟ آنها را ذکر کرده و در کلاس در مورد آنها گفتگو کنید

تمثيل غار أفلاطون

(مثالی برای استقلال در اندیشه و رهایی از عادات)



نکاتی در رابطه با «تمثیل غار»

• افلاطون در کتاب «جمهوری» و به منظور بیان اینکه:

«چگونه فلسفه انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند»؛ تمثیل غار را مطرح ساخت.

• شناخت حقیقت امری تدریجی است و ناگهانی حاصل نمی شود.

• برای رسیدن به حقیقت باید سختی را تحمل کرد در حالیکه ماندن در نادانی راحت است.

• کسانی که درون غار باقی مانده اند به دلیل تعصب و نادانی و نداشتن تواضع حاضر به پذیرش حقیقت نیستند.

نمونه سوالات کنکوری



(۱) تفکر فلسفی..... است.

الف) ساخت بنیان های فکری
ج) دوری از عادات غیر منطقی

ب) اندیشیدن در مورد باورهای زندگی
د) هنر خوب زیستن

(۲) کدام مورد از زمینه های همکاری منطبق با فلسفه است؟

الف) زدودن مغالطات از باورها

ب) بررسی مسائل زندگی و درونی

ج) پرداختن به جنبه هایی از دین و جهان

د) پرسش از هستی ها بویژه هستی های ذهنی

(۳) کدام یک از آثار زندگی بر پایه ی فهم فلسفی راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار می سازد؟

الف) دوری از مغالطه ها

ب) استقلال در اندیشه

ج) رهایی از عادات غیر منطقی
د) حیرت و تفکر فلسفی

(۴) نتیجه ی نهایی تفکر فلسفی در زندگی کدام مورد است؟

الف) اندیشیدن درباره ی زندگی

ب) آموختن چرایی

ج) آزاد اندیشی

د) یافتن دلایل درستی باورها

(۵) فلاسفه در اندیشه ی خود مستقل اند بدین معنا که....

الف) گفتاری خالی از مغالطه دارند

ب) کسب حقیقت را ترجیح می دهند

ج) در برابر حقیقت متواضع اند

د) بدون دلیل هیچ حرفی را نمی پذیرند

A decorative wreath made of various watercolor-painted leaves and flowers in shades of green, yellow, and brown, surrounding a central white rectangular box.

Thank You